

امام حسین علیه السلام مصداق آیه مودت از منظر روایات تفسیری اهل سنت

کثوم رجبی^۱

تاریخ پذیرش: ۰۰/۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۱۳

چکیده

در آیه مودت خداوند متعال، دوستی اهل بیت علیهم السلام را برای مسلمانان واجب کرده است. در این مقاله مصادیق این آیه در منابع روایی اهل سنت بحث و بررسی خواهد شد. روشن کردن مصادیق ذوی القربی در روایات اهل سنت، از حیث علمی به حل مسئله تاریخی و قرآنی یاری می‌رساند و از حیث عملی نیز موجب وحدت بین مسلمین و تقریب مذهبی خواهد شد. دوستی مصادیق ذوی القربی، موجب دل بستگی و متابعت از سخنان و سیره آنها خواهد شد. روش تحقیق در این مقاله روش روایی و تحلیلی است. در این روش با تکیه بر روایات تفسیری اهل سنت، روشن شد که مصداق بارز «ذوی القربی» در آیه مودت، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و به ویژه حضرت علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است.

کلیدواژه‌ها: امام حسین علیه السلام، اهل بیت علیهم السلام، اهل سنت، آیه مودت، ذوی القربی.

۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی و مدرس جامعه المصطفی واحد گرگان (rasa5150@gmail.com)

در این مقاله با بررسی آیه مودت از منابع تفسیرروایی اهل سنت روشن شد که از منظر برخی مفسران اهل سنت، اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فقط چهار نفر هستند؛ حضرت علی عَلِيٌّ، فاطمه زهرا عَاطِمَةُ، امام حسن عَلِيٌّ و امام حسین عَلِيٌّ که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوستی این شخصیت‌های ممتاز را مزد رسالت خویش قرار داده است و دوستی آنها را برامت اسلامی واجب کرده است. در آیه مودت لغت شناسان واژه «قربی» را به معنای خویشاوند رحمی معنا کرده‌اند و با توجه به روایاتی که ذیل آیه آمده ثابت خواهد شد، منظور از ذوی القربی اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یعنی حضرت علی عَلِيٌّ، فاطمه زهرا عَاطِمَةُ، امام حسن عَلِيٌّ و امام حسین عَلِيٌّ است. با بررسی اعتبار سنجی سندی و محتوای روایات ذیل آیه، صحت و اعتبار این روایات مکشوف خواهد شد.

شان نزول

آیه ۲۳ سوره شوری که به آیه مودت معروف است، اشاره به مزد رسالت پیامبرگرمی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارد که در قبال رسالت خویش از امتش جز دوستی خویشاوندانش هیچ نخواست. آنجا که خداوند در قرآن می‌فرماید: ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ (شوری: ۲۳). این همان [پاداشی] است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مژده داده است. بگوبه ازای آن [رسالت]، پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی درباره خویشاوندان و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد] برای او در ثواب آن خواهیم افزود قطعاً خدا آمرزنده و قدرشناس است.

در مورد شان نزول این آیه برخی از مفسران می‌گویند، آیه خطاب به انصار است و روایاتی از ابن عباس می‌آورد که انصار نسبت به مهاجران فخر فروشی کردند؛ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از این ماجرا با خبر شدند و آنها را سرزنش کردند، انصار هم گفتند اموالمان و آنچه در اختیار داریم برای خدا و رسولش می‌بخشیم، این آیه در پاسخ به آنان نازل شد (طبری، ۱۴۱۲:



۱۶ / ۲۵؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۳۴ / ۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۶ / ۲۴).

روایت دیگری هم از ابن عباس نقل می‌کند که بیشتر مفسران شیعه و اهل سنت خطاب آیه را انصار، همان مؤمنانی که به شرط ایمان و عمل صالح به باغ‌های بهشتی وعده داده شده‌اند نه ظالمانی که از اعمالی که انجام داده‌اند، می‌ترسند؛ می‌دانند (شوری: ۲۲)؛ بنابراین، درخواست مزد رسالت از منکران رسالت، امکان‌پذیر و عاقلانه نیست (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۶ / ۱۷۵). امام باقر علیه السلام نیز در شأن نزول آیه می‌فرماید: این آیه بعد از آنکه مؤمنان انصار مالی را به نزد پیامبر آوردند، نازل شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳ / ۲۳۸). بنابراین با توجه به شأن نزول، آیه دلالت دارد بر اینکه مزد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله مودت ذوی القربای پیامبر صلی الله علیه و آله است. حال سؤال اینجاست که مودت چیست و ذوی القربی کیست؟

معنای «مودت» و «قربی»

«المودّة» را برخی از لغت‌شناسان، مصدر (فراهیدی، ۱۳۰۵: ۸ / ۹۹) و برخی اسم مصدر می‌داند (فتومی، بی تا: ۶۵۳؛ ابن منظور، بی تا: ۳ / ۴۵۳). و به معنای «محبت» و «دوست داشتن» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶ / ۷۵) آمده است. برخی «وداد» را هم خانواده آن دانسته و فعلی که از آن اشتقاق می‌شود، معنای تمتی و آرزوی چیزی را داشتن نیز ذکر کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۵۱۶). در متعلق این آیه، «فی» است، پس «المودّة» اسم مصدر و به معنای محبت و دوستی؛ و الف و لام آن نیز الف و لام جنس است زیرا اصل در الف و لام، جنس بودن است، مگر این که قرینه‌ای برخلاف آن باشد که در این جا قرینه وجود ندارد. پس «مودت» یعنی ابراز محبت و دوست داشتن کسی که در لسان العرب هم آمده است (ابن منظور، بی تا: ذیل واژه «ودد»). این ابراز محبت علاقه و پیوستگی را به وجود می‌آورد و باعث می‌شود که فرد در غم و شادی شخصی که دوستش دارد شریک شود و حتی از اعمال و رفتار او اثرپذیرد و اگر مقامش از او بالاتر باشد اوامرش را اطاعت کند و بالاتر از آن، او را الگوی زندگی خویش قرار دهد.

اما واژه «قربی» را لغت‌شناسان از ریشه قرب و باب «قَرَّبَ يَقْرُبُ» که در مقابل بعد و

دوری است می‌دانند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵/۱۵۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵/۸۰؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳/۱۵۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲/۶۶۲). مصادیق لفظ قرب عبارتند از: ۱. نزدیکی مکانی ۲. نزدیکی زمانی ۳. نسبت خویشاوندی ۴. بهره‌مندی ۵. پاس و حرمت داشتن از سوی خدا ۶. قدرت (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳/۱۵۹؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۹/۲۴۹). برخی واژه «قربی» را مصدر می‌دانند که به معنای نزدیکی از حیث خویشاوندی، نسب و رحم می‌باشد (ابن درید، ۱۹۸۸: ۱/۳۲۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵/۸۰؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳/۱۵۹؛ ابن سیده، ۱۴۲۱: ۶/۳۸۹). قربی در قرآن به معنای نزدیکان رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است (طریحی، ۱۳۷۵: ۲/۱۴۰).

زمخشری معنای «قربی» را نزدیکان و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داند و می‌نویسد در آیه مودت عبارت «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» آمده، نه «إِلَّا الْمَوَدَّةَ لِلْقُرْبَى» و یا «إِلَّا الْمَوَدَّةَ الْقُرْبَى». به دلیل اینکه عرب برای مودت ظرفی قائل هستند و متعلق «فی القربی» کلمه «مودت» نیست؛ بلکه متعلق آن محذوف است و تقدیر آن چنین است «إِلَّا الْمَوَدَّةَ الثَّابِتَةَ فِي الْقُرْبَى»؛ یعنی مودتی که در «قربی» ثابت می‌باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب سؤالی که پرسیده شد یا رسول الله نزدیکان تو که مودت آنها بر ما واجب است، چه کسانی هستند؟ ایشان فرمودند: علی و فاطمه و دو پسر آنها و برخی قربی را به معنای خویشاوندان دانسته و می‌گوید: الف و لام در «القربی» عوض از مضاف الیه است و تقدیر آن «قربای» می‌باشد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۲۱۹).

از میان معانی لغوی فوق که پیرامون واژه «قربی» بیان شد، معنای خویشاوند و نسب رحمی بیشتر دلالت دارد و مراد از مودت به قربی در این آیه دوستی خویشاوندان رسول خدا صلی الله علیه و آله، یعنی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

الف و لام در «القربی» الف و لام جنس است، ولی با توجه به روایاتی که «القربی» را به افراد خاصی مخصوص می‌کند، می‌توان گفت الف و لام آن عهد است و اشاره به افراد خاصی دارد که روایات تأیید می‌کند «القربی»، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

شأن نزول و ظاهر آیه دلالت بر دوستی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله دارد به طوری که معنای اهل بیت علیهم السلام، بین خدای متعال و پیامبر صلی الله علیه و آله معهود و شناخته شده بوده‌اند و پیامبر صلی الله علیه و آله

دوستی آنها را به عنوان مزد رسالت خویش قراردادده بود؛ از این رو برای شناختن آن افراد وارسته باید به روایات رسیده از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مراجعه نماییم.

در این زمینه از طریق اهل سنت و شیعه روایاتی ذیل آیه نقل شده است که آیه را به مودت اهل بیت و دوستی با آنها تفسیر کرده اند. اخبار متواتری هم که از طریق این دو مذهب بروجوب دوستی اهل بیت و محبت آنها وجود دارد که این تفسیر را تأیید می کند (طبرسی، ۱۴۲۵: ۹/ ۴۸). لذا ذوی القربی یعنی خویشاوندان و اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که دوست داشتن آنها مزد رسالت دانسته شده است و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از تمام امت خویش و مسلمانان خواستند و واجب شمردند که اهل بیته را دوست بدارند؛ اینکه اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه کسانی هستند و مصادیق آنها چه اشخاصی است؛ طبق روایات رسیده از پیامبر، صحابه و ائمه طاهرین که در منابع معتبر حدیثی شیعه و اهل سنت ذکر شده و تعداد این گونه روایات فراوان و مشهود است و غالب اهل سنت و تمام شیعیان به آن معتقدند که اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ افراد خاصی هستند، به طوری که در روایات نام آنها نیز ذکر شده است.

امام حسین مصداق قربی (اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام)

همانطور که گذشت قربی یعنی اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که دوستی آنها مزد رسالت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دانسته شد و بر تمام مسلمین فرض و واجب گردیده که اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام ایشان را دوست بدارند تا از این طریق بتوانند دین خویش را نسبت به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ادا کنند؛ اما اینکه اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه کسانی هستند و مصادیق آنها چه افرادی می تواند باشد روایات رسیده از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و صحابه، به این سؤال پاسخ داده است. طبق آنچه در روایات تفسیری شیعه و برخی اهل سنت بیان شده است، مصداق بارز و معین اهل بیت، علی عَلَيْهِ السَّلَام، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام، حسن عَلَيْهِ السَّلَام و حسین عَلَيْهِ السَّلَام هستند. در ذیل روایات تفسیری از اهل سنت را مورد بررسی قرار می دهیم که ذوی القربی را خویشاوندان و اهل بیت تفسیر می کنند و به طور خاص اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام را در حدیث خود نام می برد که اهل بیت فقط چهار نفر یعنی حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین عَلَيْهِمُ السَّلَام هستند.

گروهی از علما و بزرگان اهل سنت (احمد بن حنبل، بی تا: ۱/۲۲۹؛ ابونعیم حافظ، بی تا: ۳/۲۰۱؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸/۳۱۰؛ طبرانی، بی تا: ۳/۴۷، ۱۱/۳۵۱؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۰: ۲/۴۴۴؛ فخررازی، بی تا، ۲۷/۱۶۶؛ شبروی، ۱۴۲۳: ۴۳؛ ابن حجر هیتمی، بی تا: ۱۷۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳/۴۶۷؛ ابن ابی حاتم، بی تا: ۱۰/۳۲۷۶؛ ابن مردویه اصفهانی، ۱۴۲۴: ۳۱۶؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۲۰) از ابن عباس روایت کرده‌اند: آنگاه که آیه (قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ...، شوری: ۲۳) نازل شد، گفتند: ای پیامبر خدا! این خویشاوندان تو کیستند، که مودت و دوستی آنان بر ما واجب گردیده است؟ حضرت فرمودند: «علی، فاطمه و دو پسر آنها» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۹۱؛ امینی، ۱۳۶۶: ۲/۳۰۷).

حاکم حسکانی نیز از علمای اهل سنت، هفت روایت را در ذیل آیه مودت جمع آوری کرده که منظور از «القربی» را حضرت علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌داند (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/۱۸۹-۱۹۶). بخاری نیز در کتاب صحیح خود روایتی را از ابن عباس نقل می‌کند: إِنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى فَقَالَ سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ: قُرْبَى آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (بخاری، بی تا: ۶/۳۸؛ ابن حنبل، بی تا: ۱/۲۸۷؛ ترمذی، بی تا: ۵/۵۴؛ نسایی، ۱۴۱۱: ۶/۴۵۳؛ جریر طبری، ۱۴۱۲: ۲۵/۳۱). از سعید بن جبیر (صحابی) سؤال شد که منظور خداوند از مودت در قربی چیست؟ پاسخ داد: آنها نزدیکان آل محمد هستند» و احمد بن حنبل، از فقهای چهارگانه اهل سنت و پیشوای مذهب حنبلی، نیز این روایت را از ابن عباس نقل کرده است (ابن حنبل، ۱۴۳۳: ۲۹۵).

علامه حلی نیز ذیل آیه مودت، روایتی از ابن عباس نقل می‌کند که در کتب صحیحین و مسند احمد بن حنبل آمده است که هنگامی که آیه «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ...» نازل شد، اصحاب به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردند: ای رسول خدا! خویشاوندان تو که مودت آنها بر ما واجب است، چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو فرزندانشان حسن و حسین و این سخن را سه بار تکرار فرمود (علامه حلی، بی تا: ۱۷۵). آیت الله مرعشی نجفی در شرحی که بر *احقاق الحق* نوشته است، قریب به پنجاه نفر از علمای بزرگ اهل سنت را نام می‌برد که روایات مربوط به آیه مودت را با سندهای متعدد در کتاب‌های خود

آورده است (شوشتری، ۱۴۰۹: ۲/۳-۱۸). سید هاشم بحرانی، نیز در کتاب *غایة المرام*، ۱۷ روایت از اهل سنت و ۲۲ روایت از شیعه درباره این آیه نقل کرده است (بحرانی، بی تا: ۲۳۰/۳-۲۴۴).

بنابراین با توجه به روایات رسیده و طبق عقیده غالب اهل سنت که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام هستند، معلوم می شود که مراد از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در آن زمان همین چهار نفر بوده اند چون بجز از آن چهار نفر اگر کسانی دیگری که در خانه و اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله بودند در زمره اهل بیت بود، حتما نامی از آنها برده می شد. پس این مقام اهل بیته رسول خدا صلی الله علیه و آله بر همین چهار نفر که در زمان حضرت حضور داشتند صدق می کند و مصداق واقعی و بارز اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می باشد.

این انتخاب و گزینش نشان از مقام شامخ آنهاست که رسول خدا صلی الله علیه و آله از بین خاندان و اطرافیانش این چهار نفر را انتخاب کرده است و دوست و محبت به آنها را مزد رسالت خویش قرار داده است. البته عقلا مسلم و روشن است که این انتخاب رسول خدا هوسانه و به میل و اراده خویش نبوده، به طور حتم دست خداوند و اراده او در کار بوده چرا که رسول خوبی ها هرگز کاری را بدون اذن و اراده خداوند انجام نمی داد و در این انتخاب حکمت و مصلحت خداوند دخیل است. مسلما این انتخاب و گزینش بی حکمت نبوده و از طرفی دوست داشتن و محبت به آنها نیز یک دوستی ساده از نوع دوستی هممنوع و نزدیکان نیست. این نوع دیگری از دوستی است که می تواند نتایج و ثمرات زیادی را به ارمغان آورد. ثمرات ارزشمندی که به خود انسان بر می گردد و به آن سخت محتاج است و نیز به امت اسلامی که به دوستی و محبت چنین انسان های وارسته امر شده است، این ثمرات قابل تأمل است به طوری که ابن عربی در این زمینه می گوید: دوستی اهل بیت علیهم السلام باعث نزدیک شدن به خداوند می شود.

بنابراین می توان از آیه شریفه مودت، چنین نتیجه گرفت که یکی از مصادیق اهل بیت، امام حسین علیه السلام است که این آیه بر عظمت و مقام شامخ امام حسین علیه السلام دلالت دارد. کسی که امام حسین علیه السلام را شناخته باشد و تاریخ زندگی او را مطالعه کرده باشد و از

اهداف رشادت‌ها و جان‌نثاری‌هایش در واقعه کربلا به خوبی با خبر باشد، خواهد دانست که امام حسین علیه السلام با رشادت‌ها و حماسه‌آفرینی خود در واقعه عاشورا ثابت کرد که به عنوان یک انسان آزادی‌خواه در مقابل ظلم سرخم نمی‌کند و تن به ذلت نمی‌دهد. او با قیام عاشورا و شهادت خود و عزیزانش، درخت اسلام را آبیاری کرد و اسلام را از نابودی نجات داد و درس آزادی و سرفرازی را به بشریت آموخت که تا قیام قیامت این الگو سرمشق انسان‌های آزادی‌خواه خواهد بود. امام حسین علیه السلام انسان کاملی است که سرتاسر زندگی‌اش، برای بشریت درس و الگوی کاملی است، به طوری که خط و مشی زندگی انسان را نشان می‌دهد؛ مسیر سعادت و به سر رسیدن منزل مقصود را راهنما و مایه هدایت است و وسیله قرب و نزدیکی به خداوند محسوب می‌شود. آری دوستی با این خاندان و به طور خاص دوستی با امام حسین علیه السلام باعث نجات از گرداب زندگی دنیاست. چه نیکو گفته است پیامبر صلی الله علیه و آله که امام حسین علیه السلام کشتی نجات است. ابن‌العربی دوستی اهل بیت علیهم السلام را به نظم در آورده است (ابن حجر هیتمی، بی‌تا: ۱۷۰) و چنین می‌گوید:

محبّت خود را نسبت به آل طه (اهل بیت پیغمبر) فریضه و واجب می‌دانم برخلاف کسانی که از اهل بیت دورند، این عمل مرا به خدا نزدیک می‌کند؛ پس آن پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاده شده برای هدایت مردم، جهت تبلیغ خود اجری نخواست جز دوستی خاندانش. ایشان در این شعر دوستی اهل بیت را باعث نزدیکی به خداوند می‌داند که نشان‌دهنده این است که ابن‌عربی مسئله مودت را به خوبی درک کرده و به فضایل اهل بیت به خوبی آگاه شده که اهل بیت علیهم السلام را وسیله قرب به خدا می‌داند.

شافعی هم گفته است:

يَا أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ كَفَاكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْقَدْرِ أَنْكُمْ
فَرَضَ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ

(زرنندی، بی‌تا: ۱۸؛ ابن‌حجر هیتمی، بی‌تا: ۲۲۸؛ شبراوی، ۱۴۲۳: ۸۳).

ای خاندان پیامبر! محبت شما فریضه‌ای است که خداوند در قرآن، آن را نازل کرده است. همین قدر در عظمت مقام و ارزش شما بس که اگر کسی (در نماز) بر شما صلوات نفرستد، نمازش باطل است. امام شافعی نیز از محبت به اهل بیت به این نتیجه رسیده که در مقام و فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام همین بس که سلام و صلوات به آنها باعث قبولی نماز شده است.

بررسی و اعتبارسنجی روایات تفسیری ذیل آیه مودت

حدیث، از دو بخش سند و متن، تشکیل شده و اعتبارسنجی حدیث، به نقد سند و متن آن وابسته است که جهت اعتبارسنجی سند و متن حدیث، ضوابط و معیارهایی وجود دارد؛ مثلاً در مورد سند، منبع و مأخذ حدیث از طریق رجال شناسان، راویان و محدثان بدست می‌آید. وجود راوی کذاب و وضاع در سند، نامعتبر بودن منبع حدیث، وجود فاصله و گسست در حلقه‌های نقل، اقرار راوی به جعل و قضاوت محدثان درباره بی‌اصل بودن روایت و نیافتن آن، از نشانه‌های ضعف حدیث هستند. این موارد قرینه‌هایی هستند که حدیث را به صورت کلی از اعتبار ساقط نمی‌کند بلکه اینها قرینه و زمینه‌ای می‌شود تا با هوشیاری بیشتری حدیث، مورد بررسی قرارگیرد. برای اعتبارسنجی متن و محتوای حدیث، ضوابط و معیاری وجود دارد. به میزان سازگاری محتوا با معیارها، قوت و ضعف حدیث مشخص می‌شود؛ هر چه محتوا با معیارها، سازگاری بیشتری داشته باشد حدیث نیز اعتبار بیشتری دارد. از مهمترین معیارها، عدم مخالفت حدیث با کتاب، سنت، عقل و علم تجربی قطعی است که علمای قدیم بیشتر بر کتاب و سنت تأکید می‌کردند، اما متأخران شیعه بر مباحث عقلی زیاد تأکید دارند و برخی از اهل سنت علم تجربی و حس (یعنی محسوسات و بدیهیات حسی) را مد نظر دارند و می‌گویند: حدیث نباید با بدیهیات حسی و تجربی مخالف باشد.

از لحاظ سند

حسکانی در *شواهد التنزیل* روایاتی را مستند نقل می‌کند که مصداق ذوی القربی اهل

بیت و مشخصاً علی، فاطمه و پسران آنها (حسن و حسین) می باشد که مودت آنها مزد رسالت پیامبر ﷺ اسلام مشخص شده است. وی سلسله سند حدیث را اینگونه ذکر می کند: «حدثنی القاضي أبو بكر الحیرى أخبرنا أبو العباس الصبغی حدثنا الحسن بن علی بن زیاد السرى حدثنا یحیی بن عبد الحمید الحماني حدثنا حسین الأشقر، [قال: حدثنا قیس، عن الأعمش، عن سعید بن جبیر عن ابن عباس قال لما نزلت قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى قالوا: یا رسول الله من هؤلاء الذین أمرنا الله بمودتهم قال: علی و فاطمة و ولدهما» (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/ ۱۸۹).

همچنین حسکانی این روایت را به طریق دیگری از یحیی بن عبد الحمید الحماني اینگونه نقل می کند: «أخبرني الحاكم الوالد، عن ابن شاهين [قال: حدثنا أحمد بن محمد بن سعید، حدثنا عبید بن الحسن بن قنفذ اليزاز (در کتاب لسان الميزان، عبید بن قنفذ ضبط شده است) (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷: ۴/ ۱۲۲) حدثنا الحماني...» (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/ ۱۹۰).

گروه دیگری نیز این روایت را از طرق مختلف از یحیی بن عبد الحمید الحماني نقل کرده اند؛ از جمله یحیی أبونعیم، در کتاب خودش ما نزل من القرآن فی علی آورده است: «قال: حدثنا أبو محمد بن حیان، قال: حدثنا أبو الجارود، قال: حدثنا إسماعیل بن عبد الله، قال: حدثنا یحیی قال: حدثنی حسین بن الحسن، عن قیس عن الأعمش، عن سعید بن جبیر: عن ابن عباس قال: لما أنزلت: (قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) قالوا: یا رسول الله من هؤلاء الذین أمرنا الله بمودتهم قال: علی و فاطمة و ابناهما» (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/ ۱۹۰). محمد بن سلیمان الکوفی نیز در کتاب المناقب باب «ذکر ما أنزل فی علی من القرآن» (الکوفی، بی تا: ۲۹) این روایت را از طریق خضر بن أبان و یحیی بن عبد الحمید الحماني، نقل نموده است.

حسکانی از طریق دیگری نیز این روایت را نقل کرده است: «أخبرني أبو بكر السكري أخبرنا أبو عمرو الحیرى أخبرنا الحسن بن سفيان، حدثنا يعقوب بن سفيان، حدثنا یحیی بن عبد الحمید حدثنا حسین، حدثنا قیس، حدثنا الأعمش، عن سعید عن ابن عباس قال لما نزلت هذه الآية: قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا قالوا: یا رسول الله من قرابتك التي

افتراض الله علينا مودتهم قال: علي وفاطمة وولدها» (حاكم حسكاني، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۹۱).
همین روایت را با سند فوق، طبری و قاضی نعمان مصری نیز نقل نموده است
(القاضی ابن حیون، ۱۴۰۹: حدیث ۷۳). حافظ بن مردویه در کتاب مناقب علی علیه السلام به
سند خودش از سعید بن جبیر، از ابن عباس و ایربلی در کتاب کشف الغمّة، با عنوان:
«ما نزل من القرآن فی شأن علیّ علیه السلام» با همین سند، حدیث فوق را ذکر کرده اند
(الایربلی، ۱۴۰۳: ۱ / ۳۲۴).

السید الأجلّ یحیی بن الموفق بالله در مالی خودش در باب فضائل علی علیه السلام، این
روایت را با سلسله سند ذیل نقل نموده است: «قال: أخبرنا أبو الحسن أحمد بن علیّ
التوزی القاضی بقراءتی علیه ببغداد، قال: أخبرنا أبو عبید الله محمد بن عبید الله
المرزبانی قال: حدّثنا أبو حفص عمر بن داود بن عنبسة المعروف بابن بیان العماني قال:
حدّثنا محمّد بن عیسی الواسطی أبو بکر، قال: حدّثنا یحیی بن عبد الحمید الحماني
قال: حدّثنا الحسن الأشقر، عن قیس بن الربیع عن الأعمش عن سعید بن
جبیر: عن ابن عباس رضی الله عنه قال: لما نزلت (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي
الْقُرْبَى) قالوا: یا رسول الله من هؤلاء الذین أمرنا الله بمودتهم قال: فاطمة وولدها» (مرشد
بالله، ۱۴۲۲: ۱۴۴؛ حاکم حسکائی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۹۱).

طریقه دیگری را که حسکائی از یحیی حمانی نقل می کند به شرح ذیل است:
«أخبرناه أبو عبد الله الشیرازی أخبرنا أبو بکر الجرجرائی حدّثنا أبو أحمد البصری حدّثنا
محمد بن عیسی الواسطی، وأحمد بن عمار، قال: حدّثنا یحیی الحماني قال: حدّثنا
حسین الأشقر عن قیس بن الربیع عن الأعمش، عن سعید عن ابن عباس قال لما نزلت
قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى قالوا: یا رسول الله ومن هؤلاء الذین أمرنا الله
بمودتهم قال: علی وفاطمة وولدهما» (حاكم حسکائی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۹۱). همین روایت را
ابن ابی حاتم چنانکه ابن کثیر در تفسیر خودش آورده، روایت نموده است: «قال: حدّثنا
علی بن الحسن حدّثنا رجل سمّاه حدّثنا حسین الأشقر عن قیس عن الأعمش عن
سعید بن جبیر عن ابن عباس رضی الله عنه قال: لما نزلت هذه الآية: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ
عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى قالوا: یا رسول الله من هؤلاء الذین أمرنا الله بمودتهم قال:

فاطمة وولدها» (ابن كثير، ۱۴۲۰: ۴ / ۱۱۲).

حسکانی در سند دیگری این روایت را اینگونه نقل نموده است: «أخبرنا أبو نصر المفسر، وأبو منصور عبد القاهر البغدادي قالاً: حدثنا أبو الحسن محمد بن الحسن السراج، حدثنا محمد بن عبد الله بن سليمان الحضرمي وأخبرنا محمد بن عبد الله الرزجاهي حدثنا أبو بكر الإسماعيلي [قال: أخبرني الحضرمي وحدثني أبو عبد الله الدينوري حدثنا برهان بن علي الصوفي حدثنا محمد بن عبد الله الحضرمي (الطبراني، بی تا: ۱ / ۱۲۵). حدثنا حرب بن الحسن الطحان حدثنا حسين الأشقر، عن قيس، عن الأعمش، عن سعيد بن جبیر عن ابن عباس قال لما نزلت قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى قالوا: يا رسول الله من قرابتك الذين وجبت علينا مودتهم قال: علي و فاطمة و ابناهما. وقال: الإسماعيلي: و ابناها» (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۹۳-۱۹۴).

نگارنده مجمع الزوائد آورده است که در سلسله سند این حدیث گروهی از ضعفا وجود دارد و البته توثیق هم شده است: «وفیه جماعة ضعفاء وقد وثقوا» (هیثمی، ۱۴۰۸: ۹ / ۱۶۸). أخرجه أحمد، والطبرانی وابن أبي حاتم والحاكم عن ابن عباس (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۹۳-۱۹۴). السيد عبد الله بن حمزة در کتاب الشافی نیز این روایت را با این سند ذکر نموده است (المنصور بالله، ۱۴۲۲: ۱ / ۷۲، ۱۵۸).

سیوطی نیز این روایت را با سلسله سند مذکور در کتاب *إحياء الميت بفضائل أهل البيت* و نیز در تفسیر الآية الکریمه در تفسیر الدر المنثور، نقل نموده است و سند آن را ضعیف می شمارد. «وأخرج ابن المنذر وابن أبي حاتم والطبرانی وابن مردويه بسند ضعیف من طریق سعيد بن جبیر عن ابن عباس قال لما نزلت هذه الآية قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى قالوا يا رسول الله من قرابتك هؤلاء الذين وجبت مودتهم قال علي و فاطمة و ولداها» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۷ / ۶). ثعلبی نیز در تفسیر آیه کریمه می نویسد: «أخبرني الحسين بن محمد الثقفي العدل حدثنا برهان بن علي الصوفي، حدثنا محمد بن عبد الله الحضرمي...» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸ / ۳۱۰).

حسکانی در سند دیگری این حدیث را اینگونه نقل می کند: «حدثنا الحاكم أبو عبد الله الحافظ وهو بخطه عندي قال: أخبرني مخلد بن جعفر الدقاق، قال: حدثنا محمد بن

جریر الطبری قال: حدثنی القاسم بن إسماعیل أبو المنذر، حدثنا حسین بن حسن الأشقر، عن قیس بن الربیع عن الأعمش، عن سعید بن جبیر عن ابن عباس فی قوله عز وجل: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى قَالَ: علی و فاطمة و الحسن و الحسین» (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۹۶). این روایت را ابن المغازلی در کتاب مناقب خود (کلابی، بی تا: ۳۰۷) از طریق دیگری از قیس بن ربیع نقل کرده است. «قال: أخبرنا أبو طالب محمد بن أحمد بن عثمان، حدثنا أبو محمد عبد العزيز بن أبي صابر إذنا، حدثنا إبراهيم بن إسحاق بن هاشم بدمشق، حدثنا عبد الله بن جعفر العسكري بالرقبة، حدثنا يحيى بن عبد الحميد، حدثنا حسين الأشقر [عن قيس] عن الأعمش، عن سعید بن جبیر، عن ابن عباس قال: لما نزلت (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) قالوا: يا رسول الله من هؤلاء القربى الذين أمر الله بمودتهم قال: علی و فاطمة و ولدهما» (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۹۶). این حدیث اخیراً بحرانى نیز در غایت المرام روایت نموده است (بحرانى، بی تا: ۳۰۷).

حسکانی با سلسله سند دیگری این روایت را اینگونه نقل نموده است: «أبو اليقظان [عثمان بن عمير البجلي] عن سعید أخبرنا أبو سعد بن علی أخبرنا أبو الحسين الكهيلي حدثنا الحضرمي حدثنا محمد بن مرزوق، قال: حدثني حسين الأشقر قال: حدثنا نصير بن زياد، عن عثمان أبي اليقظان، عن سعید بن جبیر عن ابن عباس قال قالت الأنصار فيما بينهم: لو جمعنا لرسول الله ما لا يبسط فيه يده [و] لا يحول بينه وبينه أحد فقالوا: يا رسول الله إنا أردنا أن نجمع لك من أموالنا شيئاً تبسط فيه يدك لا يحول بينك وبينه أحد. فأنزل الله قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۹۷). طبرانی با سندی دیگری حدیث مذکور را اینطور نقل نموده است: «قال: حدثنا محمد بن عبد الله، حدثنا حرب بن حسن الطحان، حدثنا حسين الأشقر، عن قيس بن الربيع، عن الأعمش، عن سعید بن جبیر: عن ابن عباس رضى الله عنه قال: لما نزلت (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) قالوا: يا رسول الله ومن قرابتك هؤلاء الذين وجبت علينا مودتهم قال: علی و فاطمة و ابناهما» (طبرانی، بی تا: ۱ / ۱۲۵).

حسکانی روایتی دیگری را با سلسله سند متفاوت تر ذکر می کند که در آن با عبارت

دیگری امام حسین علیه السلام جزء مصداق ذوی القربی شمرده شده است. «وفی الباب عن أبی امامة الباهلی حدثنی أبو بکر أحمد بن محمد بن إبراهیم المروزی قدم حاجاً أن أبا الحسن ثمل بن عبد الله الطرسوسی حدثهم ببخارا، أخبرنا أبو إسحاق إبراهیم بن الحسن «بجندی سابور، حدثنا الحسين بن إدريس التستری حدثنا أبو عثمان الجحدری طالوت بن عباد، عن فضال بن جبیر عن أبی امامة الباهلی قال: قال رسول الله ص إن الله خلق الأنبياء من أشجار شتى و خلقت أنا و علی من شجرة واحدة، فأنا أصلها و علی فرعها، و الحسن و الحسين ثمارها، و أشياعنا أوراقها، فمن تعلق بغصن من أغصانها نجا، و من زاغ هوى و لو أن عبدا عبد الله بين الصفا و المروة ألف عام ثم ألف عام ثم ألف عام حتى يصير كالشن البالى ثم لم يدرك محبتنا أكبه الله على منخریه فى النار ثم تلاقى لا أسئلكم علیه أجرًا إلا المودة فى القربى» (حاكم حسانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۲۰۳). همین حدیث را طبرسی در تفسیر مجمع البیان، با حذف سند از السید أبی الحمد، از الحسکانی ذکر نموده است (طبرسی، ۲۹/۹). این حدیث را ابن عساکر نیز در کتاب تاریخ دمشق، نقل کرده است: «أخبرنا أبو الحسن الفرضی، أنبأنا عبد العزيز الصوفی، أنبأنا أبو الحسن بن السمسار، أنبأنا علی بن الحسن الصوری و أنبأنا سلیمان بن أحمد بن أيوب الطبرانی اللخمی بأصبهان، أنبأنا الحسين بن إدريس الجریری التستری، أنبأنا أبو عثمان طالوت بن عباد البصری الصیرفی، أنبأنا فضال بن جبیر: أنبأنا أبو امامة الباهلی قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم...» (ابن عساکر، ۱۴۰۵: ۱ / ۱۴۸).

ابن عساکر روایت علی بن الحسن الصوفی را بار دیگر از طریق شیخ دیگری نیز نقل نموده است: «أخبرنا أبو الحسن الفقیه السلمی الطرسوسی أنبأنا عبد العزيز الکتانی، أنبأنا أبو نصر بن الجیان [كذا] أنبأنا أبو الحسن علی بن الحسن الطرسوسی أنبأنا أبو الفضل العباس بن أحمد الخواتیمی بطرسوس، أنبأنا الحسين بن إدريس التستری أنبأنا أبو عثمان الجحدری طالوت بن عباد، عن فضال بن جبیر: عن أبی امامة الباهلی قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: إلخ» (ابن عساکر، ۱۴۰۵: ۱ / ۱۴۸).

«ورواه أيضاً ابن حبان علی ما فى ترجمة فضال بن جبرأبى المهتد الغدانی... قال: أنبئت عن محمد بن إسماعیل الطرسوسی [قال] أخبرنا محمود الصیرفی، أخبرنا ابن

فادشاه، أنبأنا الطبرانی حدّثنا الحسين بن إدريس التستری، حدّثنا طالوت بن عباد، حدّثنا فضال...» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷: ۴ / ۴۳۴؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۲۰۳ - ۲۰۵).

بدین ترتیب روایاتی که در ذیل آیه مودت در منابع اهل سنت ذکر شده و مصادیق اهل بیت را در چهار نفر مذکور، منحصر کرده از لحاظ سندی به اختصار بررسی شد و معلوم گردید که اینگونه روایات از طرق مختلف نقل شده است. اگرهم روایتی ضعف سندی داشته باشد از طریق دیگر روایات که سندش کامل است قابل جبران می باشد و دیگر اینکه وقتی از طرق مختلف ذکر می شود به اعتبار و صحت سند می افزاید.

از لحاظ محتوی

همانگونه که از حیث سندی روایت تفسیری آیه مودت و تعیین مصداق آن نسبت به اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام، از اعتبار و وثاقت سندی برخوردار بود؛ از لحاظ محتوایی نیز از طرق متعدد قابل تأیید است و از اعتبار والایی برخوردار می باشد. در این نوشتار از دو حیث تأیید محتوایی می شود:

یک) آیاتی دیگری که محتوا و مفهوم آیه مودت و روایات تفسیری ذیل آن را تأیید می کند

دو) روایات قطعی و متعدد دیگری که به این مضمون نقل شده اند و مؤید مفهوم آیه مودت و روایات تفسیری ذیل آن به شمار می روند. در ادامه احادیثی را مورد بررسی و اعتبار سنجی سندی و محتوایی از طریق آیات و روایات قرار می دهیم که ذیل آیه مودت در تفاسیر روایی اهل سنت آمده و مراد از مزد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را دوستی اهل بیت معرفی می کند و آن دوستی را بر مسلمین واجب می داند و این فضیلت از آن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و من جمله امام حسین علیه السلام می باشد.

یک) آیات مؤید آیه مودت

یکی از ضوابط و معیارهای سنجش اعتبار احادیث، عرضه آن به قرآن است زیرا

قطعی‌ترین نص و محکم‌ترین سند مکتوب بین مسلمانان، قرآن است که هیچ‌گونه تحریف و تغییر و یا زیاده و نقصان، نشده است. لذا قرآن، «تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ» است (نحل: ۸۹) باطل، در آن راه ندارد (فصلت: ۴۲) و شیاطین را بر آن، سیطره نیست (صافات: ۷ و ۸). خداوند خود، نگاهبان آن است (حجر: ۹) و پیامبر ﷺ، تبیین کننده آن می‌باشد (نحل: ۴۴). بدین ترتیب قرآن از مهمترین ملاک سنجش روایات قرار گرفته است. روایتی که مخالف قرآن باشد، حجّیت ندارد. اهل بیت علیهم السلام، این ارشاد را به پیروان خود نموده‌اند که اگر حدیثی از آنان شنیدن که مخالف قرآن بود؛ نپذیرند و ملاک صدق روایت را همخوانی با قرآن می‌دانند. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: پیامبر ﷺ در منّا سخنرانی کرد و فرمود: «ای مردم! آنچه از جانب من به شما رسیده و موافق قرآن بود، من آن را گفته‌ام و آنچه به شما رسید و با کتاب خدا مخالف بود، من آن را نگفته‌ام» (کلینی، ۱۴۳۰: ۴۱).

پیامبر ﷺ مفسر و مبین قرآن است. سنت و روایات رسیده از ایشان ممکن است اشتباه، ناقص یا تحریف شده گزارش شود و مخالف قرآن باشد. لذا با ارائه و عرضه به قرآن نادرستی آن مشخص می‌شود. در ادامه روایات مربوط به آیه مودت با توجه به دیگر آیات قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد تا اعتبار آنها سنجیده شود.

همانطور که قبلاً گفته شد از نظر برخی از مفسران اهل سنت آیه مودت دلالت بر مزد پیامبر ﷺ دارد و مزد رسالت دوستی اهل بیت علیهم السلام او معرفی شده است. این فضیلت را خداوند به حضرت علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام عنایت فرموده است. در اینجا این روایت را با آیاتی دیگر می‌سنجیم تا اعتبار و صحت آن روشن شود.

آیه مباهله «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»: (آل عمران: ۶۱) پس ای رسول ما، بعد از آنکه توبه علم راه یافتی، هر کس با توبه محاجه برخاست، بگو فرزندان ما و شما و خود ما و شما با هم به مباهله برخیزیم و بر دروغگو لعنت کنیم.

فخرالدین رازی ذیل آیه مباهله حدیثی می‌آورد که رسول ﷺ زمانی که به محل

مباهله می آمد، عبائی بافته شده از موی سیاه در بر کرده و حسین علیه السلام را بغل کرده و دست حسن علیه السلام را گرفته و فاطمه و علی علیه السلام نیز از پشت سر آن حضرت می آمدند؛ در همان حال پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها سفارش کرد: «هنگامی که دست به نفرین بلند کردم شما آمین بگوئید» سپس پیامبر در همان نقطه مباهله، حسن، حسین، علی و فاطمه علیهم السلام را در زیر عبای خود گردآورده و آیه تطهیر را قرائت کرد و به این ترتیب اهل بیت خود را نیز معرفی نموده و عظمت و منزلت آنان را شناساند. فخررازی این روایت را صحیح می داند و می گوید این آیه دلالت می کند که حسن و حسین علیهما السلام پسران رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند (فخررازی، ذیل آیه ۶۱ آل عمران).

از دیگر آیاتی که صحت و اعتبار روایت فوق را تقویت می کند، آیه تطهیر است که در شأن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳) خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

بسیاری از اهل سنت اذعان دارند که این آیه در مورد اهل بیت پیامبر نازل شده است. حسکانی از علمای اهل سنت، در *شواهد التنزیل*، پانزده تن از صحابه را نام می برد که این حدیث را نقل کرده اند (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۸). لذا این حدیث به صورت متواتر ذکر شده که، پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه، حسن، حسین و علی علیهم السلام را زیر کساء قرارداد و آیه تطهیر نازل شد. برای نمونه این دو آیه که در مورد فضیلت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله آمده، مؤید روایات ذیل آیه مودت قرار گرفته و از طریق این آیات، روایات مذکور تقویت و اعتبارشان ثابت و تقویت می شود.

دو روایات مؤید آیه مودت

از دیگر ضوابط اعتبارسنجی محتوای احادیث، ذکر روایاتی است که روایت مذکور را تأیید و اتقان ببخشد و کاستی آن را جبران کند و به درصد اعتبار آن بیفزاید. در این قسمت احادیثی را ذکر می کنیم که محتوای روایت ذیل آیه مودت اعتبار ببخشد. اینکه بیشتر مفسران بزرگ همچون فخررازی و زمخشری و دیگر مفسرین اهل سنت،

در تفاسیر خود ذیل آیه مودت جهت تفسیر آیه روایاتی را می‌آورد که به موجب نزول این آیه ابراز محبت به علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام بر همه امت واجب شده و این روایات به صورت متواتر نقل شده است. بعد از ذکر این روایت، روایات دیگری نیز جهت تأیید روایت اول می‌آورد و این گونه بر اعتبار و صحت روایات مورد نظر می‌افزاید و ثابت می‌کند که به طور مسلم این دوستی فضیلتی براهل بیت پیامبر است و دلیل این انتخاب از سوی خدا و رسول بی حکمت نیست و نشان از شایستگی این انسان‌های وارسته است به طوری که در طول تاریخ اینان به خوبی و به شایستگی لیاقت مندی خود را بر این مقام و فضیلت ثابت کردند و هیچ فرد عاقل و با ایمان منکر فداکاری‌ها و انسانیت این وارستگان نشده است. امام حسین علیه‌السلام از جمله این مصادیق اهل بیت علیهم‌السلام است. او بزرگترین فداکاری را در طول تاریخ بشریت رقم زد و با خون خود درخت اسلام را آبیاری کرد و از هلاکت نجات داد.

زمخشری در تفسیر خود ابتدا روایت ابن عباس را به صراحت بیان می‌کند و طبق روایت می‌گوید که این آیه در مورد علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام نازل شده است و بعد سه قول دیگر را با «قیل» مطرح می‌کند که نشان از ضعف روایت آنهاست ولی روایت اول را معتبر می‌داند.

«روی أنه اجتمع المشركون في مجمع لهم فقال بعضهم لبعض: أترون محمدا يسأل على ما يتعاطاه أجرا؟ فنزلت الآية «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» أي: لا أسألكم أجرا إلا هذا، وهو أن تودوا أهل قرابتي» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۱۱۹)؛ روایت شده که مشرکان در جایی جمع شده بودند و به همدیگر می‌گفتند آیا می‌بینید که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای تلاش‌هایش چه اجری می‌خواهد؟ پس این آیه نازل شد که به این معنی بود که اجر نمی‌خواهم مگر اینکه محبت و مودت به اهل بیت علیهم‌السلام من داشته باشید.

در ادامه زمخشری روایت دیگری می‌آورد که مراد از ذوی القربی را پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مشخص می‌کند. «و روی أنها لما نزلت قیل: یا رسول الله، من قرابتك هؤلاء الذین وجبت علینا مودتهم؟ قال: «علی و فاطمة و ابناهما»؛ (همان) روایت است که وقتی این آیه نازل شد از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسیدند که مراد از قرابت چه کسانی هستند که محبتشان بر ما واجب

شده است؟ حضرت فرمودند: مراد علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام می باشند. زمخشری این روایت را معتبر می داند به دلیل اینکه چند روایت در ادامه آن جهت تأیید و تقویت روایت مذکور ذکر می کند که نشان از فضیلت و درجه والای شخصیت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

«ویدل علیه ما روی عن علی رضی الله عنه: شکوت إلى رسول الله صلی الله علیه و سلم حسد الناس لی. فقال «أما ترضی أن تكون رابع أربعة: أول من یدخل الجنة أنا وأنت والحسن والحسین، وأزواجنا عن أیماننا وشمائلنا، وذريتنا خلف أزواجنا» (همان) «و عن النبی صلی الله علیه و سلم: «حرمت الجنة علی من ظلم أهل بیتی و آذانی فی عترتی. و من اصطنع صنیعة إلى أحد من ولد عبد المطلب و لم یجازه علیها فأنا أجازه علیها غدا إذا لقینى یوم القیامة» و روی. أنّ الأنصار قالوا: فعلنا و فعلنا، كأنهم افتخروا، فقال عباس أو ابن عباس رضی الله عنهما: لنا الفضل علیکم، فبلغ ذلك رسول الله صلی الله علیه و سلم، فأتاهم فی مجالسهم فقال: «یا معشر الأنصار، ألم تكونوا أذلة فأعزکم الله بی؟ قالوا بلی یا رسول الله. قال: «ألم تكونوا ضللا فهداکم الله بی؟ قالوا: بلی یا رسول الله. قال: «أفلا تجیبوننی؟ قالوا: ما نقول یا رسول الله؟ قال: «ألا تقولون: ألم یخرجک قومک فأویناک، أو لم یکذبوک فصدقناک، أو لم یخذلوک فنصرناک» قال: فما زال یقول حتی جثوا علی الركب و قالوا: أموالنا و ما فی أیدینا لله و لرسوله. فنزلت الآیة. و قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: «من مات علی حب آل محمد مات شهیدا، ألا و من مات علی حب آل محمد مات مغفورا له، ألا و من مات علی حب آل محمد مات تائبا، ألا و من مات علی حب آل محمد مات مؤمنا مستکمل الإیمان، ألا و من مات علی حب آل محمد بشره ملک الموت بالجنة، ثم منکر و نکیر، ألا و من مات علی حب آل محمد یزف إلى الجنة کما تزف العروس إلى بیت زوجها، ألا و من مات علی حب آل محمد فتح له فی قبره بابان إلى الجنة، ألا و من مات علی حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائکة الرحمة، ألا و من مات علی حب آل محمد مات علی السنة و الجماعة، ألا و من مات علی بغض آل محمد جاء یوم القیامة مکتوب بین عینیہ: آیس من رحمة الله، ألا و من مات علی بغض آل محمد مات کافرا، ألا و من مات علی بغض آل محمد لم یشم

رائحة الجنة» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۷/۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۲۱۹؛ آلوسی، بی تا: ۲۹/۲۵؛ فخررازی، بی تا: ۲۵/۱۶۶). هر کس بر محبت آل محمد از دنیا برود، شهید مرده است. متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد آمرزیده است توجه کنید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد با توبه از دنیا رفته هر کس بر محبت آل محمد بمیرد با ایمان کامل از دنیا رفته و هر کس بر محبت آل محمد بمیرد ملک الموت به او بشارت بهشت می دهد. بعد از او نکیر و منکر هر کس بر محبت آل محمد بمیرد چنان با جلال او را به بهشت می برند مانند عروسی که به خانه شوهر می رود. هر کس بر محبت آل محمد بمیرد دربی از قبرش به بهشت گشوده می شود. توجه کنید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد خداوند قبر او را جایگاه زیارت ملائکه رحمت قرار می دهد. هر کس بر محبت آل محمد بمیرد بر راه و روش پیامبر و جماعت مؤمنین مرده هر کس با کینه آل محمد بمیرد روز قیامت که می آید بر پیشانی او نوشته است: مأیوس از رحمت خداست. هر کس بر بغض آل محمد بمیرد کافرا از دنیا رفته و هر کس بر بغض آل محمد بمیرد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

فخررازی نیز در تفسیر کبیر ذیل آیه چنین می گوید: آل محمد صلی الله علیه و آله کسانی هستند که بازگشت امرشان به اوست. کسانی که ارتباطشان محکم تر و کامل تر باشد، «آل» محسوب می شوند و شک نیست که فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام محکم ترین پیوند را با رسول خدا صلی الله علیه و آله داشتند و این از مسلمات و مستفاد از احادیث متواتر است. بنابراین لازم است که آنها را «آل پیامبر» صلی الله علیه و آله بدانیم. او ابتدا سه قول از دیگران می آورد و بعد نظر زمخشری در کشف را نقل می کند و صراحتاً آن را تأیید می کند و چنین می نویسد: وقتی آیه مودت نازل شد عرض کردند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، خویشاوندان تو کیانند که مودتشان بر ما واجب است؟ فرمود: علی و فاطمه و دو فرزندشان. پس ثابت می شود که این چهار تن، ذوی القربای پیامبرند و هنگامی که این معنی ثابت شد واجب است که از احترام فوق العاده ای برخوردار باشند.

فخررازی در ادامه دلایل مختلفی را ذکر می کند که بر این مساله دلالت دارد: ۱- استدلال در جمله «الا المودة فی القربی» که شکی نیست. ۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد

فاطمه زهرا فرمودند: «فاطمه بضعة متی یوذینی ما یوذیها»؛ فاطمه پاره تن من است. آنچه او را آزار دهد مرا آزار داده است. لذا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ را خیلی دوست داشتند. ۳- دعا برای «آل» افتخار بزرگی است و لذا این دعا خاتمه تشهد در نماز قرار داده شد: اللهم صلی علی محمد و آل محمد و ارحم محمداً و آل محمد و چنین تعظیم و احترامی در حق غیر آل دیده نشد است. بنابراین همه این دلایل نشان می دهد که محبت آل محمد واجب است (فخر رازی، بی تا: ۲۷ / ۱۶۶). وی در ادامه شعری از شافعی نقل می کند که اگر محبت اهل بیت «علی و فاطمه و حسن و حسین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» سبب رافضی شدن می باشد؛ پس جن و انس شهادت بدهند که من رافضی هستم (همان: ۵۹۴).

سیوطی نیز در الدر المنثور از ابن جریر ابی الدلیم روایتی را می آورد که نشان می دهد امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ از جمله مصادیق اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشد. او چنین نقل می کند: هنگامی که علی بن الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را به اسارت آوردند و بردوازه دمشق نگه داشتند مردی از اهل شام گفت: الحمد لله الذی قتلکم و استاصلکم! خدا را شکر که شما را کشت و ریشه کن ساخت. علی بن الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: آیا قرآن خوانده ای؟ گفت: آری... فرمود: آیا این آیه را نخوانده ای: «قل لا اسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی» گفت: آیا شما همان ها هستید که در این آیه اشاره شده فرمود: آری (سیوطی، ۱۴۰۴: ۷/۶).

بنابراین روایات رسیده از پیامبر معصوم که متصل به وحی هستند و خطا در آنها وجود ندارد یک دسته به هم پیوسته را تشکیل می دهد و یکدیگر را تأیید می کند زیرا آنان سخنان متناقض نمی گویند و رفتارشان نیز با یکدیگر ناهماهنگ نیست لذا همین مسئله باعث تشخیص نادرستی روایات از هم می شود. در روایات فوق که ذیل آیه مودت ذکر شد به خوبی همدیگر را تأیید و تأکید می کنند و بر صحت محتوا و مفهوم دوست داشتن اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، من جمله امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ دلالت دارد و به آن اعتبار می بخشد که دوست داشتن اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از واجبات اسلام است.

علاوه بر احادیث فوق به حدیث ثقلین که با معرفی عترت پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان هم تراز قرآن و حدیث سفینه و... می توان اشاره کرد که از لحاظ محتوا و مفهوم مؤید و تأکید کننده آن روایات می باشد و بر این مفهوم دلالت دارد که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سفارش کرده

که اهل بیتش را مسلمین دوست بدارد و احترامش کنند. این دوستی مزد رسالت معرفی شده است و لذا بر همه مسلمانان اعم شیعه و اهل سنت این دوستی واجب است. دوستی و احترام به اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از جمله امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نقطه عطفی بر تقویت وحدت و اتحاد بین مسلمین شیعه و اهل سنت است و ملاک و معیار تقرب بین مذاهب می باشد، به طوری که در صحنه های مختلف، شاهد این اتحاد و تقرب بین مذاهب بودیم مخصوصاً در حرکت جهانی سفر زیارتی در ایام اربعین حسینی که شیعه و اهل سنت دوش به دوش و قدم به قدم هم از این سفر معنوی و از این سرچشمه فیض حسینی بهره ها کسب کردند و به فیض رسیدند و در سفینه نجات بخش امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام ساکن شدند و اهل نجات گردیدند.

نتیجه

آیه ۲۳ شوری معروف به آیه مودت است که در خصوص ماجرای فخر فروشی انصار نسبت به مهاجران نازل شد. انصار به دلیل فخر فروشی بر مهاجران با سرزنش پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مواجه شدند؛ لذا انصار از عملکردشان پیشمان شدند و برای جبران آن کار تصمیم گرفتند مبلغی را برای کمک به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جمع نموده و آن را برای خدا و رسولش ببخشند؛ در پی این ماجرا آیه شریفه مودت نازل شد و برای آنها گوشزد نمود که مزد رسالت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اموال و امور مادی نیست؛ بلکه باید به ذوی القربی و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام او مودت ورزید.

در معنای «مودت» لغت شناسان، معنای مختلفی را ذکر کردند که با توجه به متن آیه، الف و لام «مودت» جنس است. لذا معنای «مودت» محبت و دوست داشتن کسی، می شود. واژه «قربی» را نیز به معنای نزدیکی از حیث خویشاوندی و نسب و رحم معنا کردند و قربی در قرآن به معنای نزدیکان رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشند و بر این ادعا دلائلی را ذکر می کنند. علاوه بر ظاهر آیه و شواهد لغوی بر معنای «قربی» که به معنای خویشان رحمی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، روایات زیادی از طریق شیعه و اهل سنت، ذیل آیه نقل شده است که آیه را به مودت اهل بیت و دوستی با آنها تفسیر کرده اند که این دوستی

داشتن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله مزد رسالت ایشان می باشد.

روایات نقل شده از منابع تفسیری شیعه و اهل سنت ذیل آیه مودت، مصداق اهل بیت علیهم السلام را به خوبی مشخص می کند. در این روایات آمده است که مصداق بارز و معین اهل بیت، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند. با بررسی و اعتبار سنجی سندی معلوم شد که سند روایات صحیح است و روایات از طرق مختلف نقل شده است و با بررسی و اعتبار سنجی محتوایی از طریق عرضه روایات بر قرآن و دیگر روایات مشخص شد که این گونه روایات از لحاظ محتوا و مفهوم با قرآن و دیگر روایات همخوانی دارد و قرآن و روایات این حقیقت را تأیید و تأکید دارد که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله همین چهار نفر هستند که شایسته چنین مقامی شده به طوری که دوست داشتن آنان مزد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله قرارگیرد. مسلماً این انتخاب به اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله و بدون اذن خداوند نبوده است. این دوستی یک دوستی عادی و ساده نیست؛ به طور حتم این رابطه دوستی ثمرات و فوایدی دارد که متوجه خود انسان است و امت اسلامی که به این دوستی و محبت چنین انسان های وارسته امر شده است، ثمرات ارزشمندی برای خود آنان دارد که به آن سخت محتاج است. ابن عربی دوستی اهل بیت علیهم السلام را باعث نزدیک شدن به خداوند می داند.

بدین ترتیب اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بهترین انسان هایی هستند که شایستگی چنین مقامی را یافته اند و بهترین الگودر تمام برنامه های زندگی بشریت هستند. تاریخ زندگی اهل بیت گواه بر این مدعاست. مثلاً امام حسین علیه السلام با رشادت ها و حماسه آفرینی خود در واقعه عاشورا ثابت کرد که به عنوان یک انسان آزادی خواه، در مقابل ظلم سرخم نمی کند و تن به ذلت نمی دهد. او با قیام عاشورا و شهادت خود و عزیزانش درخت اسلام را آبیاری کرد و اسلام را از نابودی نجات داد و درس آزادی و سرافرازی را به بشریت آموخت که تا قیام قیامت این الگوسرمشق انسان های آزادی خواه خواهد بود.

طبق آیه مودت دوستی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از جمله امام حسین علیه السلام مزد رسالت معرفی شده است و لذا بر همه مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت واجب است. این دوستی و احترام به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از جمله امام حسین علیه السلام نقطه عطفی بر تقویت

وحدت و اتحاد بین مسلمین شیعه و اهل سنت است و ملاک و معیار تقریب بین مذاهب می باشد، به طوری که در صحنه های مختلف شاهد این اتحاد و تقریب بین مذاهب بودیم مخصوصاً در حرکت جهانی سفر زیارتی در ایام اربعین حسینی که شیعه و سنی، دوش به دوش و قدم به قدم هم، از این سفر معنوی و از این سرچشمه فیض حسینی بهره ها کسب کردند و به فیض رسیدند و در سفینه نجات بخش امام حسین علیه السلام ساکن شدند و اهل نجات شدند.



منابع

قرآن کریم

- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۷)، لسان المیزان، بیروت، دارالفکر.
- ابن حنبل، احمد (۱۴۳۳ق)، فضائل امیر المؤمنین علی بن ابیطالب، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبائی، قم، دارالتفسیر.
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸)، جمهرة اللغة، بیروت، دار العلم للملایین.
- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۰۵)، تاریخ دمشق، دمشق، دارالفکر.
- ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن کثیر، إسماعیل بن عمر (۱۴۲۰هـ)، تفسیر القرآن العظیم، بی جا، دار طیبة للنشر والتوزیع.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (بی تا)، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد (بی تا)، الصواعق المحرقة، قاهره، المکتبه القاهره.
- ابن مردویه اصفهانی، احمد بن موسی (۱۴۲۴ق)، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- ابونعیم اصفهانی، احمد ابن عبدالله (بی تا)، حلیة الاولیاء، قاهره، دار ام القرى.
- احمد بن حنبل، مسند (بی تا)، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- الإربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۳ق)، کشف الغمة، بیروت، دارالاضواء.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۶۶)، الغدير، تهران، دارالکتب الاسلامیة.

- آلوسی، سید محمود (بی تا)، روح المعانی فی تفسیر قرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (بی تا)، غایة المرام و حجة الخصام، تحقیق علی عاشور، بیروت، موسسة التاريخ العربی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا)، صحیح بخاری، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق)، المحکم والمحیط الأعظم، مصحح هندآوی، عبد الحمید، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- الترمذی، محمد بن عیسی (بی تا)، سنن ترمذی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، تفسیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمد باقر محمودی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۲۰)، المستدرک، بیروت، المكتبة العصرية.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، مفردات الفاظ قرآن، تهران، مرتضوی.
- زرنندی، محمد بن یوسف (بی تا)، نظم درالسمطین، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق)، احیاء المیت بفضائل اهل البيت، تهران، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.
- شبرآوی، عبدالله بن محمد بن عامر (۱۴۲۳ق)، الاتحاف، قم، دارالکتب الإسلامیة.
- شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۴۰۹ق)، احقاق الحق وازهاق الباطل، تحقیق شهاب الدین مرعشی، قم، مكتبة آیت الله المرعشی.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.

- طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا)، المعجم الكبير، قاهره، مكتب ابن تيميه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۵ق)، مجمع البيان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البيان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرين، تصحیح احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (بی تا)، نهج الحق وکشف الصدق، بیروت، دارالکتاب اللبنانی.
- فخررازی (بی تا)، تفسیر الكبير، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۳۰۵)، العین، قم، نشر هجرت.
- فئومی، احمد بن محمد (بی تا)، المصباح المنیر، قم، دارالهجره.
- القاضی ابن حیون، نعمان بن محمد المصری (۱۴۰۹)، شرح الأخبار، قم، جامعه مدرسیین.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- کلابی، عبدالوهاب بن حسن (بی تا)، مناقب (ابن المغازلی)، بیروت، دارالاضواء.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ق)، الکافی، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- الکوفی، محمد بن سلیمان (بی تا)، کتاب المناقب، قم، مجمع الثقافه الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، تحقیق جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مرشد بالله، یحیی بن الموفق (۱۴۲۲ق)، امالی، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- المنصور بالله، السید عبد الله بن حمزة (۱۴۲۲)، کتاب الشافی، یمن، مؤسسه الامام

زيد بن علي الثقافيه.

- النسايب، ابي عبدالرحمن (١٤١١)، سنن نسايب، بيروت، دارالكتب العلمية.
- هيشمي، نور الدين علي بن ابي بكر (١٤٠٨)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، بيروت، دار الكتاب العربي.



پښتونستان

سال ششم، شماره ٢٢، تابستان ١٤٠٠

١٢٤